روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹
تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵
www.sharghdaily.ir
شنبه ۲۳ مهر ۱۴۰۱ • ۱۸ ربیع‌الاول ۱۴۴۴ • ۱۵ اکتبر ۲۰۲۲ • سال بیستم • شماره ۴۳۹۴ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۱:۵۰ • اذان مغرب ۱۷:۴۷
اذان صبح فردا ۴:۴۸ • طلوع آفتاب ۶:۱۱

روزنامه شرق

• گروهی از هنرمندان خوزستانی به مناسبت هفته ملی کودک با حضور در بیمارستان ابوذر اهواز از کودکان بستری در این بیمارستان عیادت و با اجرای نمایش عروسکی به آنها روحیه دادند و امید هدیه کردند.
عکس: علی معرف، ایرنا

دیالوگ روز

در کمال خونسردی - ریچارد بروکس - ۱۹۶۷

کاراگاه الوین دوی (جان فورسایث): یه روزی یه نفر باید انگیزه این روزنامه‌ها رو برام توضیح بده... اول کار جنجال راه می‌اندازید که «...رو دستگیر کنید»... وقتی مشغول پیداکردنشون هستیم سعی می‌کنید کاری کنید که ما «اخراج» شیم...

وقتی اون‌ها رو دستگیر می‌کنیم ما رو به «خشونت» متهم می‌کنید... قبل از دادگاه شما اون‌ها رو تو روزنامه‌تون «محاکمه» می‌کنید... بالاخره هم وقتی اون‌ها رو محکوم می‌کنیم شما سعی می‌کنید «آزاد»شون کنید و می‌خواین ثابت کنید که اون‌ها «مشکل روانی» دارن!

خبر

مسئله کار کودکان، مشکل لاینحل

«محمدرضا پویافر»، مدیر کل امور آسیب‌های اجتماعی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، از تصویب اصلاحیه آیین‌نامه ماده ۶ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان در کمیسیون فرهنگی دولت خبر داده و گفته است: «هرچند کار کودک را مشروع و درست نمی‌دانیم، اما باید آن را به عنوان یک واقعیت اجتماعی بپذیریم و راهکار مواجهه با آن را در پیش بگیریم».

وی افزود: «از جمله آسیب‌های اجتماعی که در دهه‌های اخیر به‌عنوان یک معضل و در اشکال مختلف در کشور با آن مواجه هستیم، موضوع کودکان کار است که سیاست‌ها، راهبردها و برنامه‌های مختلفی در این خصوص تدوین و اجرا شده است».

مدیر کل امور آسیب‌های اجتماعی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی با اشاره به اینکه تصویب آیین‌نامه ساماندهی کودکان کار و خیابان در سال ۱۳۸۴ از جمله همین راهبردهاست که به مدت طولانی و قریب به هشت سال پس از تصویب معطل ماند و به سرانجامی نرسید، گفت: در سال ۱۳۹۳ طبق جلسات متعددی که این وزارتخانه با سازمان‌های دولتی دارای مأموریت، سیاست‌گذاران، پژوهشگران و فعالان غیردولتی فعال در حقوق کودک برگزار کرد، متخصصان این حوزه متفق‌القول بودند که بازنگری اساسی در فرایند اجرای آیین‌نامه ۱۳۸۴ ضروری است.

پویافر ادامه داد: بنابراین این آیین‌نامه با هدف اصلاح و تغییر رویکرد از «ساماندهی» به «حمایت اجتماعی» رفت‌وبرگشت‌های مکرری میان دستگاه‌های عضو کمیته تدوین آیین‌نامه، شورای اجتماعی کشور، کمیسیون دولت و... داشت.

این در حالی بود که قانون حمایت از اطفال و نوجوانان نیز بعد از بیش از یک دهه در سال ۱۳۹۹ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و متعاقب آن آیین‌نامه ماده ۶ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان نیز در مردادماه ۱۴۰۰ توسط هیئت دولت مصوب شد که تا حدودی توجه مناسب به راهکارهای مواجهه مناسب با مسئله کار کودک در این آیین‌نامه دیده شد.

وی با اشاره به آیین‌نامه ماده ۶ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان گفت: در دوره جدید، با همکاری و تعاملی که با بهزیستی و قوه قضائیه داشتیم به این جمع‌بندی رسیدیم که به دلیل اشتراکات عمده در مفاد آیین‌نامه ماده ۶ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان با آیین‌نامه پیشنهادی کودکان کار و خیابان، موارد مرتبط با کودکان کار و خیابان را که در آیین‌نامه ماده ۶ لحاظ نشده بود، در قالب اصلاحات آیین‌نامه ماده ۶ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان پیشنهاد کنیم.

مدیر کل امور آسیب‌های اجتماعی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی ادامه داد: در حالی که کمیسیون فرهنگی و اجتماعی دولت منتظر اعمال اصلاحات از سوی ما برای آیین‌نامه جدید کودکان کار و خیابان بود، پیشنهاد جدیدی ارائه دادیم که این کار را در قالب اصلاحات ماده ۶ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان سامان دهیم.

پویافر با بیان اینکه فرایند مذکور در دو تا سه ماه به نتیجه رسید، گفت: آیین‌نامه مذکور پس از تصویب در کمیسیون اصلی فرهنگی و اجتماعی دولت به ریاست وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در آستانه تصویب در هیئت وزیران و ابلاغ رسمی آن به دستگاه‌های مسئول است.

او با بیان اینکه کار کودک چند وجه دارد، گفت: یک وجه کار کودک، زباله‌گردی کودکان است که شرایط سختی بر آن مترتب است. بسیاری از کودکان زباله‌گرد در کنار خانواده خود کار می‌کنند.

یک وجه خطرناک‌تر کار کودک که عمدتا دختران در آن حضور پررنگ‌تری دارند، کار در کارگاه‌های زیرزمینی و غیررسمی است.

مدیر کل امور آسیب‌های اجتماعی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی ادامه داد: روند ساماندهی و تعیین تکلیف واگذاری امور مربوط به ساماندهی کودکان کار به دستگاه‌های مربوط از جمله صداوسیما، وزارت ارشاد، وزارت آموزش و پرورش، فرماندهی انتظامی و... در اصلاحات جدید آیین‌نامه ماده ۶ حمایت از اطفال و نوجوانان روشن‌تر شده است.

پویافر در پاسخ به این پرسش که «یکی از موانع ساماندهی کودکان کار، به‌رسمیت‌نشناختن این گروه از کودکان است؛ آیا در قالب آیین‌نامه جدید کودکان کار به رسمیت شناخته شده و تحت پوشش برنامه‌های حمایتی و کاهش آسیب قرار خواهند گرفت؟» اظهار کرد: ما یک «به‌مشروعیت‌شناختن» و یک «پذیرفتن واقعیت» داریم. به نظر می‌رسد باید بین این دو تمایز قائل شویم و هرچند کار کودک را مشروع و درست نمی‌دانیم، اما باید آن را به عنوان یک واقعیت اجتماعی بپذیریم و برایش راهکار مواجهه تعیین کنیم.

وی افزود: حتی ما برای برخی مسائل اجتماعی نباید به دنبال این باشیم که بگوییم «حل مسئله اجتماعی»؛ مسائل اجتماعی دارای پیچیدگی‌های بسیاری هستند و مواجهه و حل آنها به آسانی امکان‌پذیر نیست.

مسئله اجتماعی از یک مکانیسم ساده تبعیت نمی‌کند که با طراحی یک برنامه خطی و تک‌بعدی بتوان آن را به طور کامل حل کرد.

مدیر کل امور آسیب‌های اجتماعی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی همچنین در پاسخ به پرسشی درباره شناسایی کودکان کار فاقد هویت و شناسنامه‌دارکردن آنها گفت: بخش بزرگی از کودکان کار، اتباع هستند که یا دارای اقامت قانونی‌اند یا به صورت غیرمجاز و بدون هویت در کشور زندگی می‌کنند.

پویافر افزود: مواجهه ما با گروه دوم پیچیده‌تر و سخت‌تر است؛ چراکه روند شناسایی و تعیین تکلیف آنها بر عهده وزارت کشور بوده و ما در این خصوص با وزارت کشور مکاتبه کردیم و خواستار طراحی فرایندی عملیاتی برای شناسایی و تعیین تکلیف این گروه از کودکان در کشور شدیم.

وی اضافه کرد: لازم است به این نکته هم اشاره کنم که با ورود موج جدیدی از مهاجران به ایران پس از وقایع اخیر افغانستان ما با مسائل عدیده‌ای در این حوزه مواجه خواهیم شد و ضروری است تعیین تکلیف کودکان و خانواده‌های مهاجران غیرقانونی در کشور را جدی بگیریم و سیاست‌های معطوف به شناسایی این گروه از کودکان را برای جلوگیری از ورود آنها به کار کودک در اولویت قرار دهیم.

فیلترینگ و فشار افکار عمومی

ماجرا از یک تماس شروع شد؛ خانمی از روستاهای سمنان زنگ زد و گفت: «ما ۱۵، ۱۶ نفر در روستایمان با مدیریت یکی از هم‌روستایی‌هایمان، نظم‌دهنده تولید می‌کردیم و در صفحه اینستاگرامی‌مان می‌فروختیم. بعد از مرگ مهسا و اعتراضات آن خودمان کار را تعطیل کردیم. زشت بود که مردم غمگین باشند و ما نظم‌دهنده بفروشیم. می‌فروختیم هم کسی نمی‌خرید. بعدش هم که اینستاگرام جوری فیلتر شد که نمی‌تونستیم واردش بشیم. الان از این ۱۵، ۱۶ نفر برای دوتامون هم کار نیست. بی‌کاریم. قبلا کشاورزی داشتیم. آب بود. زندگی بخور و نمیری بود. حالا نه کشاورزی مونده، نه درآمد بخور و نمیر. هیچ راه‌حلی هم به نظرمون نمی‌رسه. بعد از چند هفته به زور فیلترشکن و با سرعت پایین رفتیم، یک پست گذاشتیم. مردم زیرش کلی بهمون فحش دادن که شما دارین شرایط را عادی می‌کنین. ما دوباره صفحه‌مون رو بستیم، اما نمی‌دونیم چه کار کنیم؟».

بعد از این گفت‌وگو سری به صفحه‌های کسب‌وکار اینستاگرام زدم؛ عجب دنیای خلاقانه عجیب و متنوعی.

دنیای خلاقانه کسب‌وکارهای روستایی

از صفحه‌هایی که انگار نه انگار اتفاقی افتاده است دیدم تا صفحه‌هایی که کسب‌وکارشان را تعطیل کرده‌اند و فقط پست‌های اعتراضی می‌گذارند. بعضی‌ها هم هم‌زمان که گوشه‌چشمی به ماجرای اعتراض‌ها دارند، کسب‌وکارشان را هم ادامه داده‌اند. بعضی‌ها هم با نمادهایی از اعتراضات کارهای خلاقانه کرده‌اند. بعضی‌ها هم که احتمالا صفحه‌شان را ادمین‌ها و تولیدکنندگان محتوا اداره می‌کنند، با محتواهای خلاقانه هم نشان داده‌اند که دلشان با مردم است و هم کسب‌وکار ادامه دارد.

در روزهای اخیر بسیاری از صفحه‌های کسب‌وکارها به توصیه برای پیوستن به پلتفرم‌های داخلی واکنش نشان می‌دهند. یکی از صفحه‌ها استوری گذاشته است: «اگر از گشنگی بمیرم روبیکا و ایتا نصب نمی‌کنم می‌رم جمعه‌بازار دست‌فروشی می‌کنم».

یکی دیگر از صفحه‌ها نوشته است که «برای مشارکت‌نداشتن در انتشار اخبار نامربوط به اوضاع کشور موقتا در اینستاگرام فعال نخواهم بود»؛ این صفحه توضیح داده است: «از آنجایی که ما و همه همکارنمان از صاحبان کسب‌وکارهای نوپا یا خانگی به شمار می‌آییم، پلتفرم و امکان تبلیغاتی به‌جز فضای مجازی ندارم».

ولی من بیشتر دنبال کسب‌وکارهای روستایی بودم که چگونه‌اند و چه کار می‌کنند؟

صفحه‌های کسب‌وکارهای روستایی را اغلب خودشان اداره می‌کنند. مهارتشان در معرفی کارشان است نه تولید محتوا در شرایطی مثل امروز. با بچه‌هایی که در سال‌های اخیر در زمینه کارآفرینی اجتماعی فعالیت می‌کنند، صحبت کردم تا به فهرستی برسم و اتفاق عجیب این بود که اغلب این صفحه‌ها تعطیل بودند. با گرداننده یکی از این صفحات که فروش محصولات تولید بانوان روستایشان را بر عهده دارد، تماس می‌گیرم. می‌گوید: خیلی سخت شده. این خانم‌ها به درآمد فروش محصولاتشان احتیاج دارند و این روزها کار تعطیل شده و فروش به صفر رسیده. او می‌گوید: «شاید برای شما در تهران آسون باشه که یک صفحه اینستاگرام راه بندازین و چیزی بفروشین ولی ما فقط یک صفحه نیستیم، کلی آدمیم پشت این صفحه که درآمدش برامون مهمه. درسته که در برابر حقوق شما شاید خیلی کم باشه، اما برای ما کمک‌خرجه، تو زندگی‌مون تاثیر داره».

صفحه‌های دیگری که فهرستشان را گرفته‌ام مرور می‌کنم. درباره‌شان می‌خوانم و به زن‌ها و مردهایی فکر می‌کنم که این مشکل هم به مشکلات اقتصادی‌شان اضافه شده است. آنها هم از این وضعیت ناراحت هستند. آنها هم به اتفاقات رخ‌داده اعتراض دارند. آنها دلشان خون است مثل خیلی‌ها. اغلب این صفحه‌ها حداقل یک ماه است که پستی نمی‌گذارند؛ معنی‌اش این است که محصولی نمی‌فروشند؛ معنی‌اش این است که تعدادی زن یا مرد و به‌ویژه زنان بی‌کار شده‌اند.

فروشگاه «سرخدار» یکی از این صفحه‌هاست که محصولات متنوع زنان روستای سیاه رودبار را در این صفحه عرضه می‌کرده و در این وضعیت کارشان تعطیل است و زنانی که محصول تولید می‌کردند از درآمدشان محروم شده‌اند. آنها از اول اعتراضات صفحه‌شان را به‌روز نکرده‌اند، یعنی چیزی نفروخته‌اند.

صفحه روستای «خراشاد» در خراسان جنوبی هم عرضه‌کننده پارچه دستبافت زنان این روستاست که مدت‌هاست به‌روز نشده، یعنی پارچه‌های دستبافت زنان روستا را نفروخته است. صفحه «دوزیبا» را یک زن و شوهر هنرمند در خراسان شمالی اداره می‌کنند، آنان محصولات گلدوزی‌شده روستاهای منطقه خودشان را عرضه می‌کنند و از اول اعتراضات صفحه‌شان را به‌روز نکرده‌اند، یعنی محصولی نفروخته‌اند، یعنی زنانی سوزن‌دوزی نکرده‌اند، یعنی این ماه دریافتی ندارند.

صفحه عروسک «کرمانجی» از راه تولید و فروش عروسک زندگی می‌کند و عروسک‌هایش را در فضای مجازی می‌فروشد. این صفحه نیز از آغاز اعتراضات تعطیل است.

صفحه «شی‌کن» صفحه‌ای است که در زمینه کارآفرینی اجتماعی در روستاهای کرمان فعال است. آخرین پستشان ۱۶ سپتامبر بوده و پس از مدت‌ها تازه پستی گذاشته‌اند درباره راه‌اندازی سرویس مدرسه دختران، اما کار و بار احتمالا تعطیل است.

صفحه «گوجبنو» نیز از آغاز اعتراضات متوقف شده؛ معنایش این است که یک ماه است نتوانسته محصولات زنان روستاهای حاشیه کویر لوت را بفروشد.

صفحه «بانوک» سوزن‌دوزی‌های زنان روستای سیدبار چیدگال در سیستان‌وبلوچستان را عرضه می‌کند و از آغاز اعتراضات صفحه‌شان متوقف شده است.

کسب‌وکارهای روستایی که در این روزها آسیب دیده‌اند، محدود به این صفحه‌ها نیست. کسب‌وکارها هم محدود به روستاها نیست.

در تهران مؤسسات و گروه‌هایی هستند که در زمینه کارآفرینی اجتماعی روستاها کار می‌کنند. این گروه‌ها هم صفحه‌هایشان را بسته‌اند. گروه «دستاست» یکی از این گروه‌هاست که در زمینه تجارت منصفانه فعال است و محصولات تولیدی کسب‌وکارهای خانگی را عرضه می‌کند. این گروه نیز از آغاز اعتراضات فروش خود را متوقف کرده است.

«روستاتیش» گروهی است که به صورت ویژه در زمینه کارآفرینی اجتماعی و عرصه محصولات تولیدی زنان و مردان روستایی فعال است. این گروه نیز کار خود را این روزها متوقف کرده‌اند.

فیلترینگ شدید اینستاگرام یکی از دلایل این توقف است. دلیل دیگرش همراهی گردانندگان این صفحه‌ها با سوگواری خانواده مهسا امینی است، اما پوریا عالمی به یکی دیگر از این دلایل اشاره کرده است.

او نوشته است: «دولتی و خصوصی مشغول کارند، انگ عادی‌سازی شرایط فقط برای کارآفرینان اینستاگرام است، انگار که طبق آمار اکثرا زنان هستند. جنبشی که به نام زنان و برای زنان است باز هم قربانی‌اش باید زنان باشند انگار».

مریم سماک استاد پیش‌کسوت صنایع دستی که در سال‌های اخیر در آموزش سوزن‌دوزی‌های گوناگون بسیار فعال بوده و یکی از استادان برجسته این رشته است، به رغم اینکه در صفحه خود نسبت به حوادث اخیر واکنش نشان داده، اما در یکی از استوری‌هایش نوشته است:

«چند روز دیگه موقع پرداخت اجاره‌خانه، پرداخت قسط‌ها، پرداخت قبض‌هاست. حواسمان به آن افرادی که از طریق صفحات مجازی... و آموزش‌های مجازی کمک‌خرج خانواده‌شان بودند، باشد. آن بانوان سرپرست خانواده یا بدسرپرست باید هزینه زندگی را هم تأمین کنند. آنها برای تفریح اجناسشان را معرفی نمی‌کنند. کمک کنید تا مشکلی برایشان پیش نیاید».

تهران و شرایط متفاوت

روز پنجشنبه، گشتی در تهران می‌زنم. مجموعه‌های بزرگ خرید و تفریحی باز هستند. فروشگاه‌هایی که محصولاتی شبیه تولیدات همان زنان روستایی دارند، به کار خود مشغول‌اند. مردم هم خرید می‌کنند. رویکرد اعتراضات این‌گونه است. مردمی که ممکن است دیروز در صف معترضان در خیابان بوده باشند، امروز ممکن است در مراکز خرید باشند. البته حضورشان در مراکز خرید با قبل‌ترها فرق دارد. پوشش‌ها فرق کرده است، اما کماکان فروشگاه‌ها فعال هستند. در چنین شرایطی این سؤال مطرح است که آیا درست است فشار عمومی روی بخشی از ضعیف‌ترین بخش اجتماع باشد که تولید و فروش محصولات در زندگی‌شان مهم است؟

هنرخوانی

برای هنرمندان ایران

گریه «فاطمه معتمدآریا»، بازگرداندن «مانی حقیقی» از فرودگاه و ممنوع‌الخروج‌کردن او و عدم اجازه برای حضور در جشنواره فیلم لندن، ممنوع‌الخروجی «هدیه تهرانی»، عکس متفاوت از چهره «پانته‌آ بهرام»، ادامه ممنوع‌الخروجی همایون شجریان و همسرش «سحر دولتشاهی»، نوشته‌های «حمید فرخ‌نژاد» و ویدئوهای «محمد عمرانی»، «بابک کریمی» و... نمونه رفتار با هنرمندان سینما و فعالان عرصه فرهنگی در کنار بسته‌شدن فضای انتشار اخبار برای روزنامه‌نگاران و بازداشت دانش‌آموزان و دانشجویان است. خانه سینما به‌عنوان جامعه اصناف سینمای ایران، در بیانیه‌ای نسبت به این روند اعتراض داشته و نوشته است: «در روزهای پرالتهاب اخیر شاهد دو نوع رفتار متناقض از سوی نهادهای مختلف بوده‌ایم؛ همچنان که از سویی گفت‌وگو و پرهیز از قطبی‌کردن جامعه و نقش مؤثر هنرمندان به عنوان بازتاب‌دهنده خواست جامعه از سوی مقامات کشور ازجمله ریاست قوه قضائیه مطرح می‌شود، از سوی دیگر فهرست احضارها، ممنوعیت خروج و فعالیت هنرمندان نیز هر روز گسترش می‌یابد.

درکنار این دو شیوه متناقض، رفتارهای تحریک‌آمیز دیگری نیز بر آتش این سوءتفاهم می‌افزاید.

نصب بیلبورد بزرگ شهری با عنوان زنان ایران که عکس‌العمل‌ها در مواجهه با آن قابل پیش‌بینی بود، عملا نظریه ایجاد گفت‌وگو را منتفی و آن را به یک بحث نمایشی و راهبردی برای از سر گذراندن بحران فعلی تبدیل می‌کند.

جامعه اصناف سینمایی ایران با ابراز نگرانی از این رفتارهای متناقض، به مجموعه دستگاه‌ها و نهادهای مختلف که مایل به گفت‌وگو با معترضین هستند، توصیه می‌کند این رفتار پرتناقض را متوقف کرده و زمینه آزادی دلسوزان و به‌ویژه هنرمندان دربند یا در شرف دریافت احکام را فراهم کرده و از احضارهای پی‌درپی و رفتارهایی که ناقض اصل گفت‌وگوست اجتناب نمایند تا در قدم نخست، طرح بحث گفت‌وگو و ایجاد وفاق، قابل باور شود».

خبرخوانی

ایلان ماسک، عطر و استارلینک

در چند روز گذشته، خبرهایی درباره استارلینک و فعال‌شدن آن در ایران منتشر شد. به گزارش اقتصادآنلاین، تابناک و خبرفوری، با انتشار تصویر پاسخ توییتی از ایلان ماسک به یک کاربر که از او درباره فرجام اینترنت ماهواره‌ای و ادعایش برای فعال‌شدن این ماهواره در ایران نوشته بود، این سرمایه‌دار آمریکایی فعالیت محدود این اینترنت در ایران را تأیید کرده است.

بر اساس آنچه اقتصادآنلاین از این توییت ترجمه کرده، او در پاسخ به یکی از کاربران توییتر که پرسیده بود اطلاعی از اینترنت استارلینک در ایران دارد؟ پاسخ داد که «در ایران چند دستگاه فعال شده‌اند».

سیتنا از خبرگزاری‌های فعال در زمینه آی‌تی همچنین نوشته است: «حدود سه هفته پس از آنکه عیسی زارع‌پور، وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات در پاسخ به سؤال خبرنگاری درباره دسترسی به اینترنت ماهواره‌ای استارلینک گفته بود که «بعید می‌داند استارلینک به این زودی‌ها بتواند در ایران فعال شود چون سرویس آن کامل نیست»، اکنون که پیش‌بینی وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات کشورمان غلط از کار درآمده و هم‌اینک ترمینال‌های دسترسی به سرویس اینترنت در دسترس است، باید دید نوع مواجهه با این سطح تکنولوژی جدید که در بازه‌ای زمانی همچون تلویزیون‌های ماهواره‌ای در دسترس خواهد بود و اینترنت بدون فیلتر و محدودیت ارائه می‌دهد، چگونه است؟!

در همین زمینه ایلان ماسک با اعلام اینکه دیگر نمی‌تواند بهای تأمین اینترنت رایگان در اوکراین را تقبل کند، از وزارت دفاع آمریکا خواست این هزینه را تأمین کند. به گزارش ایسنا، به نقل از سی‌ان‌ان، از آغاز حمله روسیه به اوکراین اینترنت ماهواره‌ای استارلینک نقشی کلیدی در ارتباطات ارتش اوکراین ایفا کرده، آن هم در شرایطی که خطوط تلفن و شبکه اینترنت قطع شده است.

تاکنون حدود دو هزار واحد تجهیزات ماهواره‌ای استارلینک به اوکراین ارسال شده است.

ایلان ماسک گفت که این عملیات ۸۰ میلیون دلار برای شرکت اسپیس‌ایکس هزینه داشته و این مبلغ تا پایان سال میلادی جاری به صد میلیون دلار خواهد رسید. اسنادی که به دست سی‌ان‌ان رسیده نشان می‌دهد شرکت اسپیس‌ایکس در ماه گذشته در نامه‌ای به پنتاگون اعلام کرده دیگر توانایی تأمین بودجه خدمات استارلینک در اوکراین را ندارد.

این شرکت همچنین از پنتاگون درخواست کرده تا بودجه لازم برای استفاده دولتی و نظامی اوکراین از استارلینک را تأمین کند؛ بودجه‌ای که به ادعای اسپیس‌ایکس، تا پایان سال میلادی جاری ۱۲۰ میلیون دلار و تا ۱۲ ماه بعد، نزدیک به ۴۰۰ میلیون دلار هزینه خواهد داشت.

اما در چند روز گذشته ایلان ماسک در توییتی نوشت که «از من عطر بخرید تا بتوانم توییتر را بخرم».

او در توییت‌های اخیر مدام به فروش عطر اقدام کرده است. در یک پست خبر داد که پنج هزار، ۱۰ هزار و ۲۰ هزار عدد از آن عطر خریداری شده است. ماسک از مردم خواست عطر او را بخرند تا او بتواند توییتر را بخرد. این عطر را به نام «موی سوخته» روانه بازار کرده که به گفته او تنها در چند ساعت ۱۰ هزار عدد آن پیش‌فروش شد و یک میلیون دلار درآمد داشت.